

گفت این سهام بنده از و بنام هر کدام که بر این اعلام کن و عدلس را
از عدد و ستمیداشت و خود بر وجه این بنام و در هر یک از آنها
سهام بنام عدلس برابر و همه عدلس طلب صورت معلوم کرد که در
برداشت تا عدلس را قبال کند و اگر بقیه او را میسر آورد
و بدان متفق شدند بر پیشگاه عدلس رفتند و بر وجه او بنام عدلس
و بر پیشگاه عدلس رفتند و شرح با وی بگفتند او گفت در این بنام
گفتند و اشتراک در میان عدلس و عدلس و اشتراک در میان
اگر نام عدلس بر آید و اشتراک دیگر با عدلس و عدلس تا آن
زمان عدلس را بی شود و وقوع به طرف اشتراک عدلس و عدلس
کردند و بر توفی عدلس به عدلس بی افتاد تا صد اشتراک عدلس
و سه توفی دیگر وقوع آید و بر توفی به اشتراک افتاد پس عدلس
المطلب صد اشتراک قبال کرد و بصدقه داد و آردی و عیال
از آن مخطوط گشتند و عدلس با عدلس مراجعت نمود و عدلس
نمود بی رفتند تا که ام قبال بنت نوفل بن اسد بن عدلس
الغری جوهر و در قریب نوفل عدلس را در راه دید و گفت یا عدلس
از ما فرجی مقرر کنی صد اشتراک از عرض تو قبال کردند با عدلس
عدلس گفت حال ما با بنام عدلس و بی توام از وی عدلس کرد
و در روز آینه بنت و هم بن عدلس منافسی عدلس بی زور در
کناج آورد و بهم جمع شدند و آمدند بخبر رساله صلوات الله

در روز آینه بنت

و سالار علیه آستین شد و روز دیگر فرخواست و بر پیش آن زن
رفت و گفت و تا بروید این روز کفایت آن روز که مطلوب
خبر بود از توفیق است و بر همه حاجت توفیق و او از برادر
خود و در قریب نوفل شنید بود که در توفیق است و بر پیش آن زن
شد و آن سبی بدان سب کرد که او قالی گوید از پیش میان رفت
عدلس کوچکترین فرزندان عدلس بود و بقتل رسید
عدلس به دو سال یا سه سال از رسول صلی الله علیه و سلم
بزرگتر بود پس جواب آن باشد که در آن روز چنین بود و عدلس
بعد از آن بوجود آمد و چند سال در میان قبال و توفیق آمد و واقع
شد **فعلست** آمدن در جمع نمود و بهیبت بن عدلس
بود و عدلس دختر وی هاله از بر خود فرخواست کرد و آمدند
به عدلس و هر دو در یک مجلس عهد کردند و آمدند رسول عدلس صلی
الله علیه و سلم آستین شد و هاله به عجز بن عدلس و اما
عدلس نام وی شیب است چون بر محمد آمدند سید
شاید بود و از آن سبب او را عدلس گشتند تا نام به تجارت
شام میرفت و چون به مدینه رسید سلی بنت عمرو بن اسد از بنی نجاد
در کنج آورد بشرط آنکه وضع محل در خانه خود کند و با نام عدلس
از شام باز کرد و زفاف ساخت و او را با خود به کند بود و در راه
او را باز بر توفیق آورد و آستین بود و نامش به شام رفت و در شام

King Saud Univ

King Saud Univ